

Political Economy and Economic Security as Per Islam

Hassan Shokouh*
Ebrahim Mottaghi**

Received: 26/04/2021

Accepted: 27/06/2021

Abstract

Security as a basic need of societies has gradually taken on different dimensions throughout history. But now the economic dimension of security is a higher priority and has become the core of national security in the world. So what economic security is and how society achieves economic security is very important. Various theories of political economy throughout history have provided several models to answer this question, the study of which provides a deep and accurate knowledge of the theoretical evolution and functioning of political economy systems. So the main question of the article is: what is the connection between the theory of political economy and economic security. Political economy is the independent variable and economic security is the research dependent variable. According to the research hypothesis, economic security is the product of the internal relations of elements and components that different theories of political economy offer. The secret of the evolution of political economy theories has been their efficiency in explaining and creating economic security. In the meantime, Islam has presented more and more comprehensive and different theories of political economy to define and ensure economic security, which does not have the unilateralism of other theories. Qualitative research method based on data mining is content analysis, interpretation and collection method of library and documents. After reviewing the data and studying the components of political economy and the concept of economic security in terms of Islam, classical liberalism, Marxism and institutionalism, the research hypothesis was confirmed.

Keywords

Political Economy; Economic Security; Institutionalism; Liberalism; Marxism.

* Faculty member of Ministry of Science, Research and Technology, Tehran, Iran.
hass_shokhou@yahoo.com

** Professor, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran
(Corresponding Author). mottaghi@ut.ac.ir

اقتصاد سیاسی و امنیت اقتصادی از منظر اسلام

حسن شکوه^۱، ابراهیم متقی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۶

چکیده

امنیت به‌عنوان نیاز اساسی جوامع، در طول تاریخ به‌تدریج ابعاد مختلفی پیدا کرده است. اما اکنون بُعد اقتصادی امنیت از اولویت بیشتری برخوردار است و به هسته اصلی امنیت ملی در جهان بدل شده است. بنابراین چستی امنیت اقتصادی و این‌که چگونه جامعه به امنیت اقتصادی دست می‌یابد، اهمیت زیادی دارد. نظریه‌های مختلف اقتصاد سیاسی در طول تاریخ برای پاسخ‌گویی به این سؤال الگوهای متعددی را ارائه کرده‌اند که مطالعه آن‌ها شناخت عمیق و دقیقی از تحول نظری و عملکرد نظام‌های اقتصاد سیاسی ارائه می‌کند. بنابراین سؤال اصلی مقاله عبارت است از این‌که: چه ارتباطی میان نظریه اقتصاد سیاسی و امنیت اقتصادی وجود دارد. اقتصاد سیاسی متغیر مستقل و امنیت اقتصادی متغیر وابسته تحقیق است. براساس فرضیه تحقیق امنیت اقتصادی محصول روابط درونی عناصر و مؤلفه‌هایی است که نظریه‌های مختلف اقتصاد سیاسی ارائه می‌کنند. رمز تکامل نظریه‌های اقتصاد سیاسی کارایی آن‌ها در توضیح و ایجاد امنیت اقتصادی بوده است. در این میان اسلام پیشتر و بیشتر از دیگران نظریه اقتصاد سیاسی جامع و متفاوتی برای تعریف و تأمین امنیت اقتصادی ارائه کرده است که یکجانبه‌گرایی نظریه‌های دیگر را ندارد. روش تحقیق کیفی و مبتنی بر داده‌کاوی، تحلیل محتوا، تفسیر و شیوه جمع‌آوری کتابخانه‌ای و اسنادی است. پس بررسی داده‌ها و مطالعه مؤلفه‌های اقتصاد سیاسی و مفهوم امنیت اقتصادی از نظر اسلام، لیبرالیسم کلاسیک، مارکسیسم و نهادگرایی فرضیه تحقیق تأیید شد.

واژگان کلیدی

اقتصاد سیاسی؛ امنیت اقتصادی؛ نهادگرایی؛ لیبرالیسم؛ مارکسیسم.

hass_shokhou@yahoo.com

۱. عضو هیأت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تهران، ایران

mottaghi@ut.ac.ir

۲. استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه و بیان مسأله

امنیت و بقاء، نیاز اساسی جوامع در طول تاریخ بوده است که این مفهوم ابعاد مختلفی دارد که نمی‌توان میان آن‌ها تقدم و تأخر ذاتی قائل شد؛ ولی امروزه بُعد اقتصادی از اولویت بیشتری برخوردار است. مفهوم امنیت اقتصادی طی دو جنگ جهانی برای حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی پدید آمد و در دهه ۱۹۷۰ میلادی با ابداع مفهوم امنیت انرژی گسترش یافت اما چیرستی و چگونگی دستیابی به امنیت اقتصادی خیلی پیش‌تر مطرح بوده، تا آنجا که عامل اصلی تحول نظریه اقتصاد سیاسی تحقق امنیت اقتصادی بوده است. دستیابی به امنیت اقتصادی متناسب با شرایط زمان از درون نظریه اقتصاد سیاسی استخراج شده و پیوند متقابل و ذاتی میان این دو وجود داشته است.

بر این اساس، سؤال اصلی مقاله این است که اقتصاد سیاسی چه ارتباطی با امنیت اقتصادی دارد و چگونه به دستیابی امنیت اقتصادی کمک می‌کند؟ نظریه‌های مختلف اقتصاد سیاسی با طرح مؤلفه‌های مختلفی مانند ثبات سرمایه‌گذاری، تعادل اقتصادی، عدالت، شفافیت، کاهش هزینه و تأمین مالی و کارایی ساختار و فرایند متنوعی برای دستیابی به امنیت اقتصادی ارائه کرده‌اند. افزایش روزافزون اهمیت امنیت اقتصادی و تعامل دولت و اقتصاد و نظریه‌پردازی صاحب‌نظران غربی و نهادینه نشدن رویکرد نظری اسلامی اهمیت و ضرورت چنین تحقیقاتی را روشن می‌کند. هدف اصلی مطالعه رابطه میان اقتصاد سیاسی اسلام و امنیت اقتصادی است در این زمینه مطالعات متعددی انجام شده است.

احمد صدیقی (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان یک روش‌شناسی پیشنهادی برای اقتصاد سیاسی اسلام، با انتقاد از اقتصاد نئوکلاسیک و اقتصاد سیاسی اسلامی به دلیل عدم استفاده از زبان مناسب و عدم شناخت اندیشه‌های غربی معتقد است، اقتصاد سیاسی اسلامی باید سازوکاری برای تولید کالا ایجاد کند که غیر از حل مشکل تورم و بیکاری مشکل توزیع را هم حل کند. دادگر (۱۳۸۳) در مقاله خود با عنوان مؤلفه‌ها و شاخصه‌های الگوی اقتصاد سیاسی اسلامی به تبیین نظریه و الگو اقتصاد سیاسی اسلامی از نظر علمی و سیاست‌گذاری پرداخته و با روش تاریخی عناصر کلیدی اقتصاد سیاسی اسلام را ارائه و آن را کارآمد و اخلاق‌مدار و قابل‌رقابت با الگوهای اقتصاد متعارف می‌داند.

اخوان کاظمی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان امنیت اقتصادی و راهکارهای تأمین آن در آموزه‌های قرآنی معتقد است منابع قرآنی و روایی مفهوم متطور و پیچیده امنیت اقتصادی و سازوکارهای تأمین آن به گونه‌ای بسیار دقیق و ملموس تبیین کرده که استفاده از آن امنیت اقتصادی را در مرزهای نظام توحیدی و عدالت‌محور تأمین می‌کند.

پوراحمدی و شم‌آبادی (۱۳۹۰) در کتابی با عنوان «مقدمه‌ای بر نظریه اقتصاد سیاسی اسلامی» اختلاف اساسی میان نظریه‌های اقتصاد سیاسی معاصر و اسلامی را در حوزه انسان‌شناختی، معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی می‌دانند، لذا نظریه‌های اسلامی و غیراسلامی الگوهای متفاوت و متضادی را برای پیشرفت ارائه می‌کنند. پوراحمدی (۱۳۹۰) در مطالعه خود با عنوان مبانی و اصول حاکم بر فرآیند اقتصاد سیاسی اسلامی به دنبال تبیین تعامل سیاست و اقتصاد در اسلام برای تحقق اهداف غایی یعنی کمال انسانی و عدالت است. اقتصاد سیاسی اسلامی در سه سطح، اعتقادات، ارزش‌های معنوی، عدالت و پیشرفت یک پیوند نظام‌مند با اقتصاد، سیاست و فرهنگ دارد که با افزایش کارایی وسیله‌ای برای پیشبرد برای کمال انسانی است.

خسروی و لکزایی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «امنیت اقتصادی از دیدگاه امام علی با تأکید بر عهدنامه مالک اشتر»، حکومت کوتاه امیرمؤمنان را الگویی کامل از امنیت اقتصادی می‌دانند و در صدد بررسی جایگاه امنیت اقتصادی، عوامل، موانع و روش‌های تحقق آن از دیدگاه امام علی است.

منصوری در مقاله امنیت و ابعاد آن در قرآن با تأکید بر رابطه امنیت، ایمان و مکه سمبل امنیت و جایگاه ممتاز عبادت معتقد است قرآن انواع امنیت را مانند امنیت عبادی، جانی، آزاد زیستن انسان، امنیت خانوادگی و اقتصادی بیان کرده است.

معتمد، شهیدی‌نسب و اصغری (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌ها و راهکارهای ایجاد امنیت اقتصادی در چارچوب قرآن و اقتصاد متعارف»، امنیت اقتصادی را مهم‌ترین شاخص توسعه‌یافتگی و تأمین رشد اقتصادی، اشتغال مولد، اشتغال و درآمد می‌دانند و با روش کیفی به آسیب‌شناسی چالش‌های امنیت اقتصادی از دیدگاه قرآن مانند: سرقت، ربا، احتکار و از دیدگاه اقتصادی شامل تورم، رکود، قاچاق کالا و ارائه راهکارهایی قرآنی چون تشویق تولید، احترام به مالکیت می‌پردازد.

ویلیام روف^۱ (۱۹۸۷) در کتابی با عنوان «اسلام و معنای اقتصاد سیاسی»، به دنبال درک اقدام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مسلمانان است. وی اسلام را یک فرهنگ متشکل از ایده‌ها، فرم‌های نهادی و تصویری از قدرت می‌داند ترکیب پیچیده میان دانش، عقاید، سیاست، اقتصاد و جامعه که گفتمان‌های متعددی ایجاد کرده است.

گران^۲ (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد سیاسی به عنوان پارادایمی برای مطالعه تاریخ اسلام»، معتقد است که اقتصاد سیاسی روش خوبی برای مطالعه و تفسیر تحولات جامعه و تاریخ اسلامی است.

آساتای^۳ (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان «رهیافت اقتصادی سیاسی به اقتصاد اسلامی»، درک سیستماتیک برای یک سیستم اقتصادی جایگزین، به ظهور سیستم مالی اسلامی به عنوان بخشی از اقتصاد اسلامی متأثر از سیستم مالی جهانی پرداخته است. در اینجا رعایت اصول اسلامی مانند عدالت و اخلاق یا صرف تأمین مالی به روش سرمایه‌داری یک چالش محسوب می‌شود.

حقی^۴ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «فلسفه اقتصاد سیاسی اسلامی»، بیان مقدماتی، معتقد است که اقتصاد سیاسی به معنای سبک زندگی تجاری است. بررسی اقدام اجتماعی و فردی که ارتباط نزدیکی با دستیابی به رفاه دارد. ولی وقتی که موضوع مذهب مطرح می‌شود علاوه بر روش دستیابی به رفاه، حفظ هویت مذهبی و توزیع عادلانه منابع نیز مهم است.

اصغری (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «ایده اقتصاد اسلامی: مقدمه اقتصاد سیاسی اسلام»، معتقد است که سنت پیغمبر (ص) و قرآن یک سیستم اقتصادی کامل شامل نهادها و قوانین رفتاری را ارائه کرده است و علت اصلی کم‌کاری کشورهای اسلامی در این زمینه را عدم ارائه نسخه عملی توسط اقتصاددانان می‌داند. اصغری و زاهدی (۲۰۲۰) در مقاله خود با عنوان اقتصاد سیاسی اسلام، معتقدند اسلام تأثیر جدی بر سیستم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، مالی و الگوی قراردادهای اقتصادی دارد. مقاله پیش‌رو علاوه بر ارائه

1. William Roff

2. Gran

3. Asutay

4. Haqqi

الگوی اقتصاد سیاسی و تعریف امنیت اقتصادی از دیدگاه نظریه‌های مختلف ارتباط میان این دو مفهوم را به صورت قیاسی و استقرایی توضیح و مقایسه کرده است.

۱. مبانی مفهومی و نظری

برای طرح صحیح مسئله ابتدا ضروری است مفاهیم اصلی یعنی امنیت اقتصادی و اقتصاد سیاسی تعریف و تبیین گردد.

۱-۱. امنیت اقتصادی

از نظر بوزان مفهوم امنیت مناقشه‌برانگیز و سیاست‌زده و دارای ابعاد مختلفی از جمله اقتصادی است. تعاریف اولیه امنیت اقتصادی خصلتی تک‌بعدی دارند. برای مثال برخی امنیت اقتصادی را رهایی از ترس در تأمین نیازهای اولیه تعریف می‌کردند (سیف، ۱۳۸۹، ص. ۸) تعاریف دیگر امنیت اقتصادی را ایجاد ثبات برای سرمایه‌گذاری می‌دانستند (رسولی و فرزین‌وش، ۱۳۹۴، ص. ۲۴۵). امنیت اقتصادی تأمین هزینه‌ها و تقویت فناوری نظامی نیز تعریف شده است. آدام اسمیت بین دفاع و ثروتمندی رابطه برقرار می‌کرد (شیهان، ۱۳۸۸، ص. ۸۷). برخی امنیت اقتصادی را به مفهوم ژئواکونومی به کار برده‌اند. به این معنا که کشورهای دارای منابع انرژی، ظرفیت‌های کشاورزی، مسیرهای حمل‌ونقل و تنوع اقلیم از امنیت اقتصادی بیشتری برخوردارند. وابستگی متقابل اقتصادی از دیگر از معانی امنیت اقتصادی است. امنیت اقتصادی به معنی ظرفیت اقتصادی برای تأمین اهداف اقتصادی خارجی مانند جذب سرمایه‌گذاری، فناوری و دسترسی به بازار نیز تعریف شده است. امنیت اقتصادی به منزله تأمین رفاه اقتصادی، اشتغال، وجود رویه‌های حقوقی مناسب، و نبود فساد نیز به کار رفته است.

به تدریج تعاریف چندبعدی و ساختاری نیز گسترش یافت و مفهوم امنیت اقتصادی به سمت بازار و خط‌مشی‌های آن متمایل شد (رشیدی و دیگران، ۱۳۹۴، ص. ۶۵). لاسمن با نفی مفهوم امنیت اقتصادی آن را به سازوکار طبیعی بازار تنزل داد (Losman, 2001). لاسمن با ترکیب واقع‌گرایی و لیبرالیسم کلاسیک سیاست را ذاتی بازار نمی‌دانست یعنی بدون دخالت سیاسی و هزینه‌های نظامی، عملکرد صحیح بازار انجام می‌شود. افزودن اقتصاد به امنیت ملی اجرای اهداف امنیتی را پیچیده و منابع را از این اهداف جدا می‌کند.

بنابراین تعادل طبیعی بازار خود امنیت اقتصادی است. اما از نظر بوزان امنیت اقتصادی در نظام بازار تحقق نمی‌یابد چراکه بازار دارای ناامنی پایدار برای افراد، بنگاه‌ها و دولت است (سیف، ۱۳۸۹، ص. ۱۰). بوزان امنیت اقتصادی را دسترسی به منابع، سرمایه و بازارها برای حفظ حد قابل قبولی از رفاه و قدرت دولت تعریف می‌کند (شیهان، ۱۳۸۸، ص. ۸۸). امنیت اقتصادی به معنای آزادی، اجرای تعهدات، تولید، توزیع و مصرف درست نیز تعریف شده است (نادری، ۱۳۹۵).

ملل متحد امنیت اقتصادی را با امنیت غذایی، بهداشتی، زیست‌محیطی، امنیت شخصی و جمعی در زیرمجموعه امنیت انسانی قرار داده است. با این اوصاف می‌توان دو تعریف حداقلی و حداکثری از امنیت اقتصادی ارائه کرد. در تعریف حداقلی، امنیت اقتصادی به معنای وضعیت باثبات و دفع هرگونه تهدید فیزیکی و در تعریف حداکثری به منزله سیاست‌ها و عملکرد مناسب ساختار اقتصادی از جهت جامعیت حوزه‌ها، عناصر، مؤلفه‌ها، تشکیل‌دهنده استحکام و هماهنگی میان آن‌ها و بهبود شاخص‌های اقتصادی است. تاریخ تحول نظریه‌های اقتصادی سیاسی گویای تلاش برای دستیابی به این دو تعریف از امنیت اقتصادی است.

۲-۱. اقتصاد سیاسی

اقدام سیاسی و اقتصادی به مانند عناصر ترکیب شیمیایی غیرقابل تفکیک‌اند. اقتصاد سیاسی بررسی مسائل موردعلاقه علم سیاست و اقتصاد است. اقتصاد سیاسی در پی فهم روابط میان نیروهای سیاسی و اقتصادی و تأثیر آن بر شکل‌گیری سیاست‌های اقتصادی است (بشیریه، ۱۳۸۲، ص. ۵۴). اقتصاد سیاسی به صورت تاریخی به توصیف و تبیین ارتباط میان حاکمان با مردم یا دولت با بازار با تمرکز بر سیاست‌ها و اهداف اقتصادی می‌پردازد. اقتصاد سیاسی سازوکار پیوند میان حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و توضیح‌دهنده نتایج آن است که به تدریج به جغرافیا، فرهنگ و مذهب تسری یافته است (پیکتی، ۱۳۹۳، ص. ۵۸). اندیشمندان زیادی درباره چگونگی سازماندهی جامعه، اقتصاد، دولت، عناصر، هدف و کارکرد هرکدام برای دستیابی به امنیت اقتصادی سخن گفته‌اند. افلاطون بر اقتصاد سیاسی اشتراکی تأکید و تقسیم‌کار را ناشی اختلاف توانایی انسان‌ها می‌دانست. او استفاده اشتراکی حاکمان از ثروت را برای تحقق عدالت ضروری و تکاثر

ربا خواری و تحرک طبقات را رد می‌کرد (مصلحی نژاد، ۱۳۸۹، ص. ۸۵). ارسطو با طرح اداره شهر، تدبیر منزل، آزادی و مالکیت فردی برای اولین بار اقتصاد خرد و کلان را به هم پیوند داد. وی مالکیت، آزادی فردی و دموکراسی را شرط اساسی برای کارکرد اقتصادی می‌دانست (تفضلی، ۱۳۹۷، صص. ۱-۳۰). اسکولاستیک‌ها با ترکیب فلسفه یونان، روم باستان و انجیل با نفی ربا بر دستمزد و قیمت عادلانه و اعتماد متقابل در بازار تأکید می‌کردند (بوساندلین و دیگران، ۱۳۹۶، صص. ۱۶-۲۱). با ظهور اسلام در قرن هفتم تعریف جدیدی از امنیت اقتصادی و اقتصاد سیاسی مطرح شد.

۲. روش‌شناسی

این مقاله با استفاده از روش تحقیق کیفی، داده‌کاوی و جمع‌آوری کتابخانه‌ای و اسنادی از منابع دست اول مانند قرآن، نهج‌البلاغه، صحیفه حضرت فاطمه زهرا (س)، تفاسیر، کتب احادیث و سایر منابع دست دوم همچنین تفسیر و تحلیل محتوای داده‌ها ضمن تعریف امنیت اقتصادی و اصول اقتصاد سیاسی اسلامی، لیبرالیسم کلاسیک، مارکسیست و نهادگرایی به ارائه الگو در مورد چگونگی ارتباط اقتصاد سیاسی با امنیت اقتصادی و مقایسه این الگوها با یکدیگر پرداخته است.

۳. امنیت اقتصادی از منظر اسلام

کلمات برگرفته از کلمه «امن» ۸۷۹ بار در قرآن به‌کار رفته است (روحانی، ۱۳۷۶، صص. ۳۷۲-۳۷۳) از نظر پیامبر (ص) «خیری در سرزمینی ناامن وجود ندارد». امام صادق (ع) امنیت، آبادانی و عدالت را سه نعمت بزرگ خدا می‌داند (شعبه‌الحرانی، ۳۲۴). حضرت فاطمه (س) در خطبه فدک امنیت اقتصادی را به اراده خداوند، رهبری پیامبر و مجاهدت امام علی نسبت داده، می‌فرماید: «شما از آب‌شخور شتران می‌خوردید، با برگ درختان شکمتان را سیر می‌کردید. می‌ترسیدید که چون بردگان به غارت بروید. پس از گرفتاری در چنگال سرکشان اهل کتاب، خداوند به‌واسطه پدرم شما را رهایی داد. در مقابل مردان افعی مشرک با مجاهدت علی در امنیت بوده‌اید» (احمدی جلفایی، ۱۳۹۲، صص. ۸۰). امام علی (ع) نیز امنیت اقتصادی را بدون دین امکان‌پذیر نمی‌داند.

قرآن جغرافیا، کوه‌ها، معادن، دشت‌ها، بادهای باران‌زا، چشمه‌ها، دریا و منابع آن، باغ‌ها و مزارع، راه‌ها و جهت‌یابی با ستاره‌گان، انواع حیوانات، حرکت کشتی‌ها با باد، اماکن مقدس، اولاد، کسب روزی حلال را نعمت‌های خداوند، عامل امنیت مادی و معنوی معرفی می‌کند. سوره فیل و قریش جغرافیا، سفرهای تجاری یمن، شام، ایمان، رفع گرسنگی و خوف، الفت و ایمنی از تسلط سپاه فیل سوار را به عبادت خدای کعبه نسبت می‌دهد. سوره حجر عمران و آبادی مکه و گرایش مردم به آنجا را از استجاب دعا حضرت ابراهیم می‌داند. سوره اسراء با تأکید بر توحید، طبیعت، تولید، کار و شکر در تأمین نیازهای انسان می‌فرماید: «اوست که دریا را رام کرد تا از آن گوشت تازه بخورید، زیوری بیرون آورید، کشتی‌ها را می‌بینی که شکافنده آب‌اند تا برخوردار شوید، از بخشش خدا روزی بجوید شاید سپاس دارید» (محمدی‌رشهری، ۱۳۸۲، ص. ۱۸۵). سوره جمعه نماز، کسب‌وکار و روزی را از فضل خدا و باعث رستگاری می‌داند. اسلام رجوع انسان مؤمن در تمام اعمال از جمله کار بر روی طبیعت و تولید عبادت (قحف)، ۱۳۸۴، ص. ۱۶۰) و مایه پایداری دین و دنیا و جلوگیری از تسلط بیگانگان است.

از سوی دیگر بلایای طبیعی مانند خشکسالی، قحطی، سیل، آفات و بیماری، طوفان و صاعقه، زلزله و ویرانی شهرها، فقر، بیکاری، فاصله طبقاتی و تفاخر به مال، فساد، بی‌عدالتی و ظلم، جهل و نبود دانش و تدبیر از مصادیق و علل ناامنی اقتصادی است که بروز آن‌ها به جهان‌بینی و اعمال در سطوح فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برمی‌گردد. از نظر اسلام میان جهان‌بینی، اعتقاد و اعمال انسان و آثار آن یک رابطه وضعی، تدریجی، طبیعی تکوینی وجود دارد. برای مثال در سطح فردی تبلی، فقدان دانش و عدم شناخت استعدادها عامل فقر و فقر زمینه‌ساز کفر است. قرآن علت پنهان بودن زمان قیامت را به تلاش واداشتن انسان و رستگاری و هدایت را در شناخت و استفاده درست از استعدادهای خدادادی می‌داند چنانچه می‌فرماید: «پروردگار هر چیزی را خلقتی درخور داد، سپس آن را هدایت کرد» (طاه‌ها: ۵۰-۱۵). سوره روم فساد موجود در دریا و خشکی را به عمل و نافرمانی انسان نسبت می‌دهد (روم: ۴۱) از نظر اسلام شرک، شکستن پیمان الهی و دنیوی، تکذیب آیات، دروغ بستن به خدا، نافرمانی از پیامبر و امام، نادانی، تکبر و اشرافی‌گری، کم‌فروشی، ظلم، تکاثر مال، عدم توجه به یتیم و مسکین، بخل، ناشکری،

اسراف، عدم پرداخت زکات، صدقه و دریافت ربا، ترک امر به معروف و نهی از منکر نمونه بی‌ایمانی و نافرمانی در سطح فردی، اجتماعی و سیاسی است که باعث ناکارآمدی و ناامنی اقتصاد اجتماعی اقتصادی می‌شود.

فرد باایمان باید برای خوشنودی خدا و رستگاری، حق خویشان، مساکین و درراه مانده را ادا کند. قرآن نزدیک نشدن به مال یتیم، کمک به خویشاوندان، نفی اسراف و تبذیر، پرهیز از کم‌فروشی و عمل به عهد، قتل زنده‌به‌گور کردن دختران از ترس فقر، طرد مؤمنان فقیر و تفاخر را مصداق ستم و دارای آثار سوء تدریجی و وضعی دنیوی و اخروی معرفی می‌کند (انعام: ۵۳-۵۲). قارون به دلیل برتری‌طلبی، فساد و نسبت دادن دارایی و ثروت به دانش خود نابود شد. از نظر قرآن طرد یتیم، مسکین، بخل ورزیدن به دلیل تکذیب معاد، سبک شمردن نماز (قرآن، الماعون) و برپایی مجالس لهو، عیب‌جویی و مسخره کردن توسط اشراف نتیجه جهل و انباشت مال است که پایانش جهنم است (پوریوسف، ۱۳۹۲، ص. ۱۵۶۷).

در این راستا قبض و بسط روزی صفت خدا و شکر نعمت باعث فزونی و کفران زمینه عذاب است (ابراهیم: ۱۰) قرض، انفاق عامل فراوانی مال است و هر دانه انفاق به هفت خوشه و هر خوشه به صد دانه افزایش می‌یابد. انفاق بدون منت باعث رهایی از ترس و حزن است (بقره: ۲۶۱). به گفته قرآن کریم اگر مردم شهری تقوای داشته باشند درهای نعمت‌های آسمان و زمین به روی آن‌ها گشوده می‌شود ولی چون تکذیب کنند به کیفر کردارشان می‌رسند (اعراف: ۶۹). ربا به دلیل عدم انجام کار مفید و تکاثر عملی شیطانی و به‌منزله جنگ باخدا و مایه نابودی مال است. هزینه کردن دارایی برای غیر خدا باعث ناامنی است. کافرانی که اموال خود را برای بازداشتن مردم از خدا خرج می‌کنند با حسرت و شکست روبه‌رو می‌شوند. لذا ثروت ابولهب و همسرش به دلیل آزار پیامبر به حال آنان مفید نبود (قرآن کریم، مسد). قرآن همچنین نافرمانی مؤمنان از پیامبر در تقسیم (انفال) به دلیل اخلال در کارکرد نظام موجب فتنه و عذاب می‌داند (معتمد، شهیدی‌نسب و اصغری، ۱۳۹۶، ص. ۱۴۴).

قرآن یکی از نتایج فساد و نافرمانی را ویرانی شهرها توصیف می‌کند و می‌فرماید: «آیا در نعمت‌هایی مانند باغ‌ها، چشمه‌ها، مزارع، نخلستان‌ها و کوه‌هایی که ماهرانه خانه

می‌تراشید در امانید؟ از خدا اطاعت کنید و فرمان اسراف‌کاران که در زمین فساد می‌کنند نبرید». چنانچه کم‌فروشی، تقلب، غش در معامله و خوردن حق دیگران عامل نابودی قوم شعیب شد (قرآن، ۱۵۴-۱۴۶). در این زمینه امام علی (ع) از بین رفتن نعمت‌ها و نزول بلا را کیفر گناهان و راه بازگشت آن توبه معرفی می‌کند (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۳۴۱).

۴. بنیادهای فلسفی اقتصاد سیاسی اسلامی

اصل بنیادی برای ایجاد امنیت اقتصادی پیوند میان دنیا و آخرت، ماده و معنا، فرد و اجتماع، سیاست و اقتصاد، آزادی و انتخاب انسان مؤمن، متقی، عاقل و حکیم است. زنجیره این مفاهیم تصویر کاملی از اقتصاد سیاسی اسلامی ایجاد می‌کند. عقل فطری با استفاده از برهان ابزار درک وحی، حکمت، دانش و انتخاب مسیر است (بهشتی‌پور، ۱۳۹۰، ص. ۵). کافران به دلیل عدم تعقل کر و کور و در شمار بدترین جنیندگان هستند (انفال: ۲۱-۲۴). شاخص سلامت عقل فطری ایمان به خدا و پیروی از پیامبر است نه پیروی از هوس. رفتار اقتصادی انسان باید در چارچوب الگوی رفتاری اسلام (عقل، آزادی ارزش) باشد (قحف، ۱۳۸۵، صص. ۱۳۵-۱۵۹) روابط یک‌سویه باعث ایجاد نظام ناعادلانه می‌شود (نصیری، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۸). سوره تین با قسم به امور مادی و معنوی، (غزالی، ۱۳۷۷، ص. ۱۰۰۳) بُعد جسمی و روحی انسان، انسان مختار را در انتخاب بین سعادت و شقاوت در نوسان می‌داند (پورسیف، ۱۳۹۲، صص. ۳۰-۱). سوره بقره، زمین، آسمان، و هرآنچه بین آن‌ها است را برای انسان جانشین خدا می‌داند که با قبول پیمان الهی، داشتن علم اسما از طریق عقل فطری، انبیا و کتاب آسمانی مسیر اطاعت از خدا و پیامبر و عدل را از مسیر شیطان بازشناخته و انتخاب می‌کند. اما خونریزی و فساد به‌عنوان عوامل ناامنی اقتصادی به دلیل:

- ۱- بُعد مادی و غریزه بشر،
- ۲- منابع مادی محدود،
- ۳- اجتماعی بودن بشر،
- ۴- قطع ارتباط باخدا، عقل فطری و وسوسه شیطان ایجاد می‌شود (پوریوسف، ۱۳۹۲، ص. ۱۸).

انبیا و کتاب برای داوری در اختلافات خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ارسال اما بشر تأمین منافع فردی از راه نادرست بر منافع اجتماعی ترجیح می‌دهد. قرآن با یادآوری نعمت‌های مادی و رهایی بنی اسرائیل از سلطه فرعون، دلیل پیمان شکنی با خدا، والدین، خویشاوندان، یتیمان، مساکین، بدزبانی، عدم اقامه نماز و پرداخت زکات، خون‌ریزی و غضب سرزمین را وسوسه شیطان معرفی می‌کند (بقره: ۲۱۳). «ای مردم آنچه در زمین حلال است بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید او دشمن شما و شما را به زشتی وا می‌دارد. شیطان وعده فقر و امر به فحشا می‌کند و خدا وعده مغفرت و فضل. خداوند گشایش‌گری دانا است» (بقره: ۱۶۸). شکستن عهد الهی عامل نفی پیوندها و اعتماد خویشاوندی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، بروز کینه (بقره: ۲۷) و غارت است. قرآن ریشه پیمان شکنی را فقدان تعقل، نادانی و عدم تشخیص می‌داند (پورسیف، ۱۳۹۲، ص. ۱۵۴۸) و با کنار هم قراردادن کتاب، نماز، انفاق رونق اقتصادی پایدار را ترسیم می‌کند: «کسانی که کتاب خدا را تلاوت، نماز به پا می‌دارند و پنهان و آشکار زکات می‌دهند، تجارتی شروع کرده‌اند که هیچ فساد، نابودی و رکودی در آن نیست» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ص. ۴۳۷).

۴-۱. تقوا، حکمت، دانش و کمیابی

از منظر اسلام، تنها کسی که مؤمن، حکیم، متوکل، صبور و تلاش‌گر است، قدرت مقابله با شیطان، انتخاب درست و وفای به عهد را دارد. قرآن منشأ حکمت و حکمت بهترین نعمتی است که به انبیا و مؤمنان داده می‌شود. حکمت خیر کثیر، صاحب حکمت اهل ذکر و خردمند است. اعمال او بر مبنای توحید، شکر، احکام الهی و انفاق مایه افزایش ثروت است. حکمت دارای بُعد نظری و عملی (تعلیم و تهذیب) است. حکمت جامع شاخه‌های دانش و شناخت عقلی معارف ماورایی است. ملاصدرا حکمت را تلازم عقل و وحی و علم به حقایق اشیا می‌داند. حکمایی مانند فیثاغورث حکمت را از سلیمان نبی و سقراط، افلاطون از فیثاغورث آموختند (محمدی، ۱۳۹۲، ص. ۷۲). ایمان و عمل براساس کتاب مانند ریشه به میوه در ارتباط متقابل حکمت را رشد می‌دهند. حکمت با تصمیم‌گیری و انتخاب درست زمینه افزایش خیر، روزی است. ریشه معاملات حرام، کم‌فروشی، عدم پرداخت خمس و زکات حب مال و فرزندان و نتیجه عمل به قوانین

الهی، تقوا، باروری عقل، تفکر و دانش است (انفال: ۲۸). حکمت منشأ دانش، تخصص، تدبیر و برنامه‌ریزی است (قرائتی، ۱۳۹۶، ص. ۱۸۰). پیامبر می‌فرماید: «هر کس بر پایه‌ای جز دانش رفتار کند پیش از آن‌که اصلاح کند فساد به بار آورد». دانش، تدبیر، برنامه‌ریزی و تخصص مایه افزایش دارایی و نبود آن عامل فقر است. پیامبر (ص) خطر نبود دانش برنامه‌ریزی را بیشتر از فقر می‌داند و امام علی(ع) ارزش هر فرد را به تخصص او و نادان را صخره‌ای می‌داند که آبی از آن نمی‌جوشد.

قرآن با تأکید بر قدر معین به‌جای مفهوم کمیابی، عقل، یقین، صبر، توکل و تفکر در قوانین الهی را عامل خلاقیت و گشایش می‌داند: «هرکس تقوای الهی داشته باشد خدا از جایی که گمان نمی‌برد روزی عطا کند. هر کس بر خدا توکل کند خدا او را کفایت می‌کند، خدا فرمان خود جاری می‌سازد، بر هر چیز اندازه‌ای قرار داده و هیچ تدبیری از تقدیرش نتواند پیچید» (طلاق: ۳). قرآن با تأکید بر صفات خلاقیت، بخشندگی، خلقت انسان، تعلیم آنچه که نمی‌داند با قلم، به‌کارگیری عقل، مشورت، توکل، تلاش و صبر، راه‌حل کمیابی و کاهش خطرپذیری را تخصص می‌داند. بر این اساس خداوند مهارت ساخت زره را به داود، نوشتن، بافتن پارچه و دوختن جامه به الیاس (ری‌شهری، ۱۳۸۲، ص. ۲۲۱) و ساخت کشتی و سد را به نوح و ذوالقرنین آموخت. قرآن زمان و محدودیت آن را به‌عنوان متغیر اقتصادی می‌پذیرد با قسم به زمان، گذران آن را به زیان انسان می‌داند. امام علی نیز انسان را ثروتی در حال تاراج می‌خواند: «بنده نعمتی به‌دست نمی‌آورد جز این که نعمتی از دست بدهد و روزی به عمرش افزوده نشود جز با کم شدن روزی دیگر» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۶۶۹). بنابراین هزینه فرصت با ایمان، عمل صالح، توصیه به حق و صبر جبران و کمیابی یا هزینه فرصت موجب عدم تعادل اقتصادی نخواهد شد.

۲-۴. مالکیت، ارزش کار و قیمت

قرآن برای انسان دستاوردی جز نتیجه تلاش او قائل نیست. کار برای تأمین نیاز خانواده جهاد است و کارگر برتر از شهداست؛ اما تکاثر به‌دلیل ایجاد شکاف طبقاتی راه شیطان است. اسلام بر کار به‌عنوان منشأ مالکیت، محافظت از طبیعت، قناعت، عدم دخالت در بازار جز به‌دلیل عوامل مصنوعی مانند احتکار، رعایت حقوق کارگر، تعیین اجرت قبل از استخدام با قرارداد، نفی ربا به‌دلیل عدم انجام کار و تکاثر تأکید دارد (صدر، ۱۳۴۸،

ج ۱، صص. ۴۱۵-۴۱۳). مالک مطلق خدا و مالکیت انسان محدود به قوانین الهی است. کار خلاق بر روی طبیعت برای تأمین نیازهای فرد و جامعه منشأ مالکیت موقت است. مالکیت خصوصی، عمومی و دولتی است و توزیع برای جلوگیری از نابرابری قبل از تولید و شامل توزیع عوامل تولید نیز می‌شود (صدر، ۱۳۴۸، ج ۲، ص. ۶۳).

۳-۴. جایگاه دولت در اقتصاد اسلامی

از نظر قرآن، تقوا تنظیم‌کننده روابط میان نیروهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و ملاک رهبری است: «ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدم، گروه‌گروه و دسته‌دسته قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا گرامی‌ترین شما با تقواترین شما است» (حجرات: ۱۳) و در جای دیگر می‌فرماید: «ما پیامبران را با معجزات و دلایل آشکار، کتاب و ابزار سنجش، آهن که در آن هم نیرو و هم سودهایی برای مردم است، فرستادیم تا به دادگری برخیزند و معلوم شود چه کسی خدا و پیغمبرش را یاری می‌کند، همانا خداوند شکست‌ناپذیر است». پیامبر حاکم، کتاب نماد دانش و ابزار سنجش، آهن منبع قدرت نظامی و صنعتی است. ایمان و اطاعت از پیامبر روح حاکم بر ارتباط میان این عناصر است. امام علی (ع) نیز فلسفه پذیرش حضور مردم، پیمان خداوند از علما برای عدم سکوت در مقابل سبیری ظالم و گرسنگی مظلوم، بازستانی بیت‌المال و حدود خدا را دلیل پذیرش حکومت می‌داند و معتقد است: «حق حاکم و رعیت بزرگ‌ترین حق الهی و رعایت آن عامل پایداری پیوند مردم و حاکم و عزت دین است. رعیت اصلاح نمی‌شوند جز با اصلاح زمامداران و زمامداران اصلاح نمی‌شوند جز با درستکاری رعیت در غیر این صورت وحدت نابود و ستم و نیرنگ‌بازی زیاد می‌شود».

از نظر امام حق مردم بر حاکم خیرخواهی، تنظیم، رونق بیت‌المال، تعلیم و تأدیب با علم است. حق حاکم بر مردم رعایت بیعت و اطاعت است. امن کردن راه‌ها، گرفتن حق ضعیف و تقسیم عادلانه بیت‌المال وظیفه حاکم است. بهترین روش جلب اعتماد مردم نیکوکاری و تخفیف مالیات است (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۴۴۳). جامعه متشکل از لشکریان، دبیران قضات، کارگزاران نظم اجتماعی، جزیه‌دهندگان، تجار، صنعت‌گران و طبقات پایین هستند. سپاهیان پناهگاه رعیت و راه‌های تحقق امنیت‌اند. کار سپاهیان با مالیات رعیت و کار سپاهیان و مردم با قضات، کارگزاران و دبیران معتمد که قراردادها را می‌نویسند استوار

می‌شود. این طبقات بدون بازرگانان و صنعت‌گران که وسایل زندگی را می‌سازند دوام ندارند. همه طبقات در اصلاح امور خود بر زمامدار حق دارند (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۵۷۷). ابن‌سینا، فارابی، غزالی، طوسی و ابن‌خلدون با طرح انواع جوامع فاضله، جاهلیه و تغلب، اقتصاد خانواده (توانایان‌فرد، ۱۳۵۹، صص. ۴۰-۱) هزینه تولید، تقاضای کل (صوفی، ۱۳۸۴، صص. ۷۷-۶۶) و حمایت از بخش خصوصی (طیبیان، غنی‌نژاد، ۱۳۸۸، ص. ۱۷۲) کارکرد پیچیده دولت را در اقتصاد بیشتر توضیح می‌دهند.

۵. لیبرالیسم کلاسیک و امنیت اقتصادی

بعد از قرون وسطا در اروپا، فیزیوکرات‌ها دئیسم یا خدای طبیعی، عقل ابزاری و غریزه را جایگزین خدا و وحی کردند (ساندلین، ۱۳۹۶، ص. ۳۳) سوداگرایی امنیت اقتصادی را در تکاثر ثروت، ناسیونالیسم اقتصادی، نظارت بر تجارت خارجی و تقویت قدرت نظامی تعریف کرد. مرکانتیلیسم منابع طبیعی، نیروی انسانی، طلا و نقره و تراز بازرگانی را شاخص امنیت اقتصادی می‌دانست که ظهور پادشاهی‌های مطلقه، کمپانی‌های استعماری، شکل‌گیری رابطه نابرابر مبادله، فروپاشی اقتصاد مستعمرات، انباشت ثروت و انقلاب صنعتی نتیجه آن بود (الهی، ۱۳۸۳، صص. ۳۵-۳۴). اسمیت متأثر از سوداگرایی و فیزیوکرات‌ها اقتصاد سیاسی لیبرالیسم را به‌عنوان قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری و اداره مدبرانه اقتصاد ملی تعریف کرد (گلیپین، ۱۳۸۴، ص. ۱۵) از این منظر امنیت اقتصادی به‌معنای تعادل در بازار براساس منافع فردی بود. این تعادل براساس مفروضه‌های فلسفی مانند:

- دئیسم یا خدای طبیعی؛
- تعیین تقدیر توسط خداوند قبل از تولد برای توجیه روابط نابرابر کارگر و سرمایه‌دار؛
- خودخواهی انسان؛
- جستجوی رفاه و مطلوبیت و
- عقل‌گرایی شکل‌گرفت.

براساس این مفروضه‌ها و اصول اقتصادی مانند: (۱) علائق شخصی، (۲) تعادل اقتصادی، (۳) ارزش کار (۴) آزادی اقتصادی، لیبرالیسم کلاسیک شکل گرفت. افراد

براساس خودخواهی، علائق خود، میل به رفاه، عقل، منافع شخصی به کارهایی می‌پردازند که منجر به تقسیم کار و تخصص می‌شود. قیمت کالا براساس ارزش مصرفی و مبادله‌ای در بازار مشخص می‌شود. قیمت معیار تسویه یا ورود و خروج به بازار، توزیع سهم عوامل تولید، تعیین قدرت خرید و عامل تعادل بخشی به عرضه و تقاضا است (Smith, 1961, p. 258).

۶. اقتصاد سیاسی مارکسیسم و امنیت اقتصادی

در مارکسیسم افراد در داخل طبقه که در روابط اجتماعی تولید ظهور می‌کند سازماندهی می‌شوند. منافع مشترک مادی و ایدئولوژیک زمینه پیدایش طبقه است (Weber, 1986). مالکیت، آزادی شخصی و تصاحب ارزش اضافی معیار تمایز طبقات است. ماهیت جامعه و دولت با ماهیت مبارزه طبقاتی تعیین می‌شود (بشیریه، ۱۳۷۴، صص. ۳۹-۴۲). بازتاب مبارزه طبقاتی ایجاد روبنای فلسفی، مذهبی و سیاسی به شکل تاریخی است (وینسنت، ۱۳۷۸، ص. ۲۲۷). تغییر روابط تولیدی، نهادهای اجتماعی و سیاسی محصول مبارزه طبقاتی است (لفت‌ویچ، ۱۳۷۸، صص. ۷-۸). مالکان وسایل تولید طبقه سیاسی - اقتصادی حاکم هستند (Thompson, 1992, p. 13). انگلس در تعدیل برداشت یک‌جانبه مارکس، نادیده گرفتن روبنای ایدئولوژی را رد کرد (آرون، ۱۳۶۳، صص. ۷-۲) و رابطه دیالکتیک روبنا و زیربنا را پذیرفت. مارکسیست‌های جدید نیز طبقه خرده‌سرمایه‌داری متشکل از کارگران یقه‌سفید، تکنسین‌ها و کارگران خدماتی را به طبقات قبل اضافه (Polanteas, 1988) کردند و معتقد به استقلال نسبی دولت از طبقات شدند (نش، ۱۳۸۰، صص. ۷۵-۲۰). مارکس قدرت سیاسی را تابع مالکیت، ولی مارکسیست‌های جدید مالکیت را تابع قدرت سیاسی اعلام کردند. اگر ملاک طبقه کنترل ابزار تولید و سود بود در شوروی هیئت حاکمه مالک صنایع و یک طبقه دولتی بودند. این طبقه دولتی منشأ کارگری و روستایی داشت، تنل و کم‌تحرک (جیلاس، ۱۳۵۸، ص. ۵۳) و عامل فساد و کاهش خلاقیت بود. پلامنتز نیز روابط تولید را متأثر از سنت، اخلاق و حقوق دانست (بشیریه، ۱۳۸۵، ص. ۲۹۱). بنابراین رابطه میان جامعه و دولت و تأثیر آن بر سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری و امنیت اقتصادی بسیار پیچیده شد. با ناکامی یک‌جانبه‌گری لیبرالیسم و مارکسیسم برای تداوم انباشت، جلوگیری از فقر و قطبی شدن جامعه سوسیال

دموکراسی ظهور کرد که کارایی و سیاست‌گذاری را با اتکا به نیروهای جامعه‌مدنی و مفهوم نهاد به پیش می‌برد (حاج یوسفی، ۱۳۹۴، ص. ۵۴).

۷. اقتصاد سیاسی نهاد‌گرا و امنیت اقتصادی

نهادها سرمایه تعاملات اقتصاد اجتماعی‌اند و ناکارآمدی دولت و بازار را جبران می‌کنند (مردوخی، ۱۳۸۵، ص. ۴۰). تخصیص منابع در شبکه پیچیده‌ای از روابط بازیگران بدون امکان پیش‌بینی و کنترل جزئیات انجام می‌شود. تخصیص، موضوع مستقیم انتخاب نیست بلکه حاصل تعامل اجتماعی انسان در چارچوب عقاید رویه‌ها، قوانین است و وظیفه سیاست‌گذاری اصلاح نهادهای هدایت‌کننده تخصیص است (Moss, 2002, p. 106). انتخاب‌ها با محدودیت‌های اجتماعی و سیاسی، نهادها درآمیخته و حکمرانی با همکاری گروه‌های اجتماعی و قانون فرصت‌های اقتصادی را تقویت می‌کند. در فضای اجتماعی و سیاسی آشفته و خشونت‌آمیز نهادها بی‌ثبات و هزینه معاملات افزایش می‌یابد. عدم امنیت به‌خاطر فقدان منابع یا محاسبه اقتصادی نیست، بلکه ناشی از تنوع ساختار اجتماعی و ناکارآمدی نهادی است (Solimano, 2005, p. 5). نهادهای اقتصاد کلان، تضادهای سیاسی و نهادهای مالکیت به‌صورت اجتماعی شکل می‌گیرند (براتی، ۱۳۷۸، ص. ۲۴). سیاست اقتصادی مطالعه زندگی اجتماعی و ارزش‌ها، گروه‌ها، تشکلهای واحدهای تحلیل هستند. گروه‌ها برای تسلط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی رقابت می‌کنند و تعارض جدید ناشی از تعارض قبلی است (Grindle, 1999, p. 3). نهادها زمینه ائتلاف، توافق، مذاکره و چانه‌زنی برای سیاست‌گذاری هستند. بنابراین سیاست‌های اقتصادی از درون ایده‌ها، ارزش‌ها، هویت، منافع شخصی و گروهی بیرون می‌آید و توضیح‌دهنده راحل‌های متفاوت برای مشکلات اقتصادی مشترک، نوع و میزان دخالت و کنش‌های متقابل دولت و بازار است (میر، استیگلitz، ۱۳۸۲، صص. ۱۳۶-۱۳۴).

۸. یافته‌های تحقیق

اسلام امنیت اقتصادی را در معانی، مصداق‌ها و سطوح مختلف تعریف و (اخوان کاظمی، ۱۳۹۸، ص. ۱۹۴) براساس کتاب، سنت، روش عقلی، تجربی، تاریخی، قیاس، استقرا و اجماع خردمندان (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص. ۵) برای چگونگی تحقق آن توضیح نظری ارائه

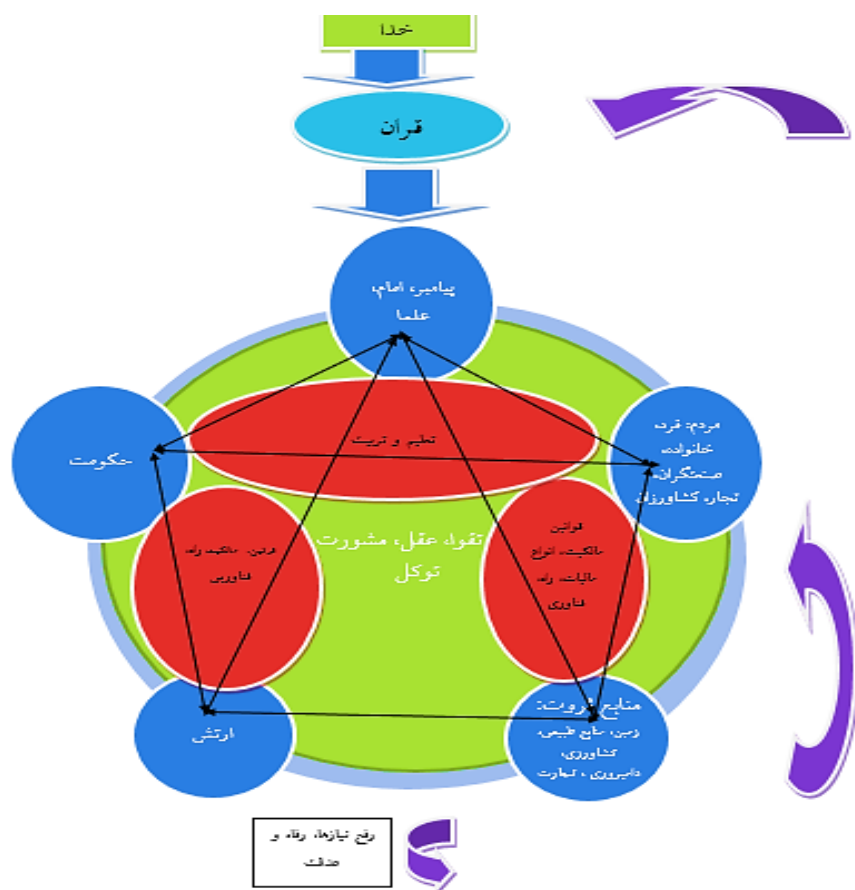
کرده است. اسلام امنیت اقتصادی را به صورت جغرافیایی، ساختاری و انسانی مطرح کرده که تحقق آن به صورت سیستمی امکان پذیر است (جهانیان، ۱۳۹۸، صص. ۱۷-۱۵). اسلام اصول فلسفی و ارزشی، عناصر و مفاهیم و قوانین خاصی را به صورت یک نظام اقتصاد سیاسی عرضه می کند که محصول آن امنیت اقتصادی است و تحقق آن به درک جهان بینی، عناصر، قوانین و اجرای آن ها از سوی مردم و حکام بستگی دارد (مطهری، ۱۳۶۸، صص. ۱۱-۳۰). اسلام معتقد به یک نظام طبیعی با ابعاد مادی، معنوی، فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی براساس تنظیم روابط انسان با خدا، انسان های دیگر، طبیعت، جامعه و دولت است. قواعد این روابط از سوی مالک و خالق نظام وضع شده، رعایت قوانین در تمام سطوح عبادت و دارای آثار وضعی و تدریجی مثبت و منفی بر امنیت اقتصادی است. امنیت اقتصادی با ارزش های اخلاقی (جهانیان، ۱۳۹۲، ص. ۵) خدامحوری، توحید (خسروی، لکزایی، ۱۳۹۸، ص. ۱۰۷)، اطاعت از پیامبر(ص) و امام، عدل (احقاق حقوق مردم) و معاد حاصل می شود. این فرایند عامل رشد حکمت، دانش، خلاقیت و مسیر تکامل مادی، معنوی، فردی و اقتصادی جامعه است. عقل فطری مطیع وحی، عمل صالح و زکات، منشأ حکمت و دانش است که به همراه توکل، توصیه به حق و صبر و کار خلاق بر روی طبیعت هزینه فرصت و قدر مشخص منابع یا کمیابی را مرتفع و از عدم تعادل ساختاری اقتصادی یا ناامنی اقتصادی جلوگیری خواهد کرد. وسوسه شیطان، نافرمانی از احکام و دستورات الهی، پیمان شکنی در تمام سطوح مانند عدم رعایت حقوق مردم و طبیعت، بخل و وسوسه شیطان، انحراف از عقل فطری و اخلال در کارکرد نظام طبیعی و امنیت اقتصادی می شود. این مطالب را می توان در قالب یک الگوی مفهومی به شرح شکل (۱) تصویر کرد.

در لیبرالیسم هر عرضه، تقاضای خود را ایجاد و قیمت جهت سرمایه گذاری را مشخص می کند. بازار از طریق قیمت، مسیر نیروهای اجتماعی را در قالب فرد، بنگاه و خانواده بدون دخالت دولت تعیین می کند. علائق، تقسیم کار، رقابت با افزایش تخصص، خلاقیت و ابتکار منافع فرد و جامعه را به بهترین شکل تأمین و از عدم تعادل جلوگیری می کند (مصلی نژاد، ۱۳۸۹، ص. ۹۵). وظیفه دولت ایجاد نظم داخلی، حفاظت از مرزها و احقاق حقوق است. انباشت ثروت در دست سرمایه دار، کاهش مصرف، پیش بینی

نادرست کارفرما، جنگ، حوادث طبیعی عامل ایجاد عدم تعادل است. بنابراین عدم تعادل در ذات نظام لیبرالیسم است. بر این اساس سه نوع امنیت اقتصادی ارائه شد.

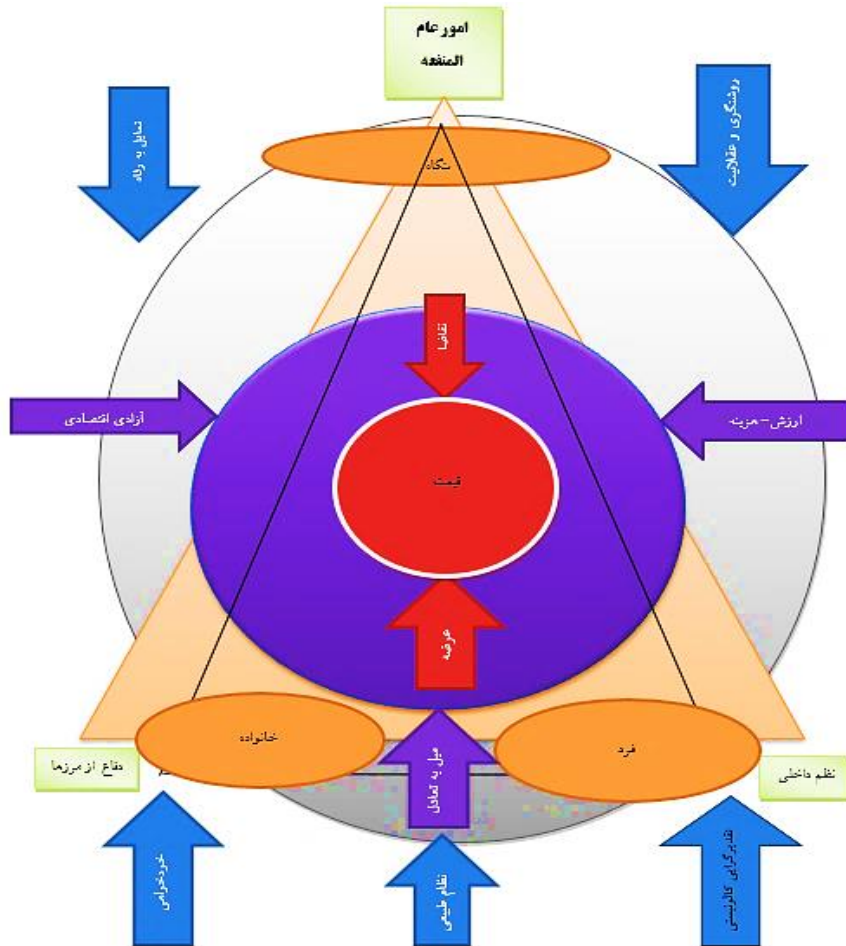
- ۱- امنیت اقتصادی به معنای ایجاد نظم و احقاق حقوق در محاکم.
- ۲- امنیت اقتصادی به معنای جلوگیری از تهاجم خارجی.
- ۳- امنیت اقتصادی به معنای حفظ تعادل اقتصادی و عدم دخالت دولت.

شکل شماره (۲) الگوی مفهومی نظریه اقتصاد سیاسی لیبرالیسم کلاسیک را ترسیم کرده است.



شکل (۱): الگوی مفهومی رفع نیازها، رفاه و عدالت

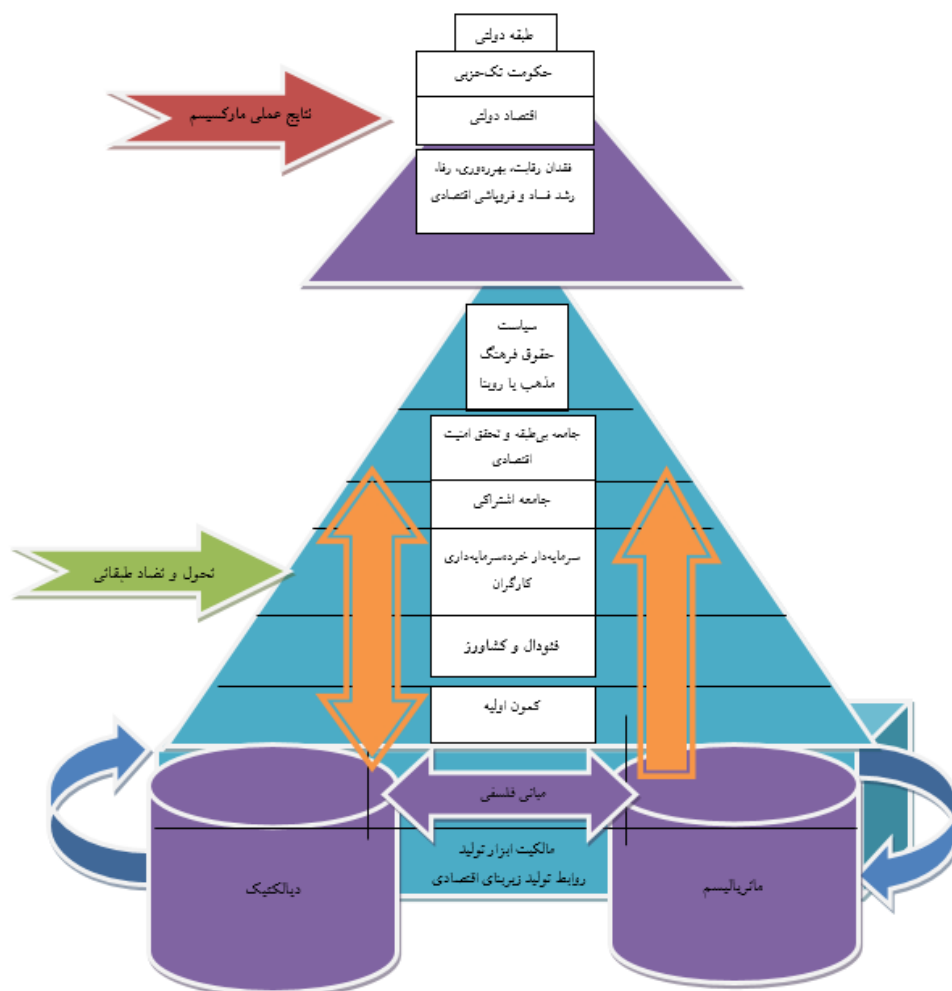
منبع: یافته‌های تحقیق



شکل (۲): الگوی مفهومی نظریه اقتصاد سیاسی لیبرالیسم کلاسیک

۳تبع: یافته‌های تحقیق

مارکسیسم واکنشی یک‌بعدی به یکجانبه‌گری، بی‌عدالتی و شکاف طبقاتی لیبرالیسم بود. در لیبرالیسم کلاسیک، مرکز ثقل امنیت اقتصادی تعادل طبیعی براساس دست نامرئی، رقابت افراد و بنگاه‌ها برای سود بود اما امنیت اقتصادی در مارکسیسم در حذف تضاد طبقاتی ایجاد جامعه بی‌طبقه اشتراکی بود که در عمل به ایجاد یک طبقه دولتی فاسد، تمامیت‌گرا و غیرخلاق ختم شد.

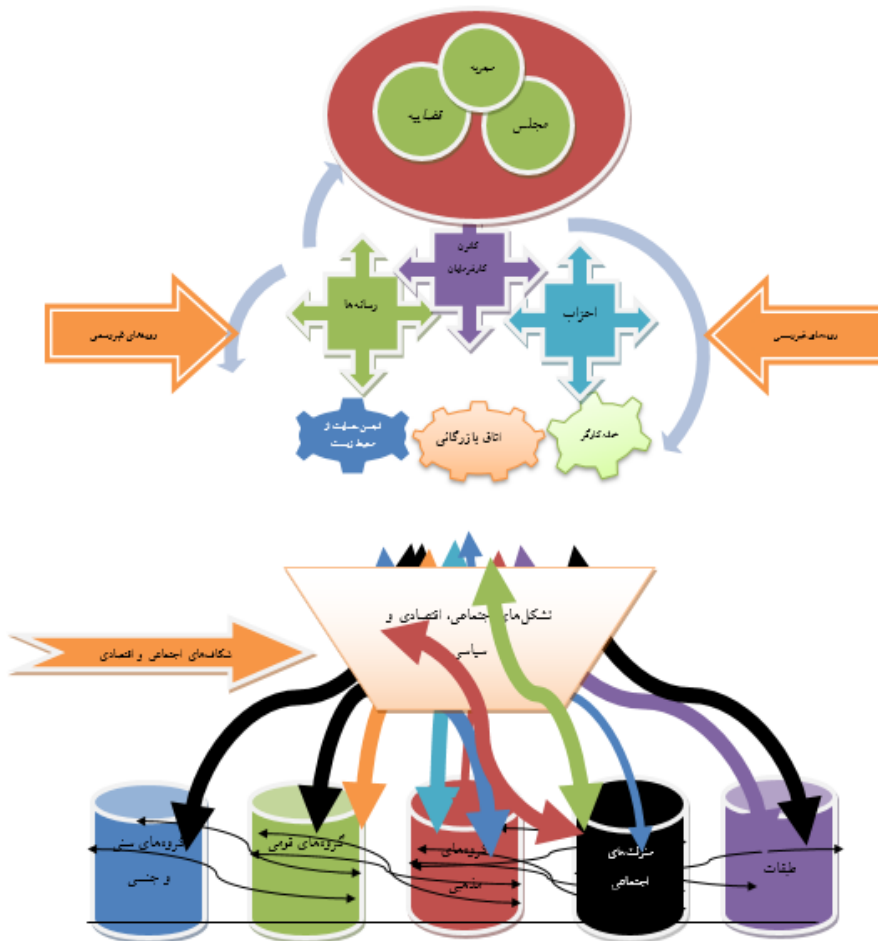


شکل (۳): مدل مفهومی امنیت اقتصادی از نگاه مارکسیسم

منبع: یافته‌های تحقیق

نهادگرایی بدون نفی رقابت طبقاتی تعامل و تضاد در قالب شکاف‌های سنی، جنسی، تاریخی، قومی و مذهبی را در شکل‌گیری نهادها توضیح می‌دهد. لذا روابط دولت و جامعه از تعیین‌کنندگی به تعامل تغییر شکل می‌دهد. سطح تحلیل امنیت اقتصادی فراتر از فرد، طبقه و بنگاه بر شکل‌گیری رویه‌های رسمی و غیررسمی اقتصادی متمرکز می‌شود. ارزش‌ها، عرف بستر ایجاد رویه‌ها و قوانین، هزینه‌ها، نااطمینانی و کارآمدی اقتصادی

به شکل تاریخی هستند. لذا بدون وجود نهادهای مناسب با انتقال سرمایه، فناوری، مدیریت پیشرفت اقتصادی حاصل نمی شود (دادگر، ۱۳۸۳، ص. ۴۲۴). بنابراین نهادگرایی امنیت اقتصادی از دیدگاه هویت و فرهنگ اجتماعی تعریف می کند. بدون شناسایی نهادها و فرایند اجتماعی آن‌ها شفافیت، اطمینان، کارآمد و در مجموع ایجاد امنیت اقتصادی تحقق نمی یابد.



شکل (۴): مدل مفهومی تشکل‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

منبع: یافته‌های تحقیق

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از نظر اسلام امنیت اقتصادی در دل نظام اقتصاد سیاسی طبیعی قرار دارد. اسلام امنیت اقتصادی را در سطح فردی تأمین نیازهای اقتصادی، در سطح اجتماعی رعایت احکام، اخلاق الهی و عمل به عقود، در سطح اقتصادی تولید ثروت و در سطح سیاسی برقراری ثبات، عدالت و عدم تسلط بیگانگان تعریف کرده است. ارتباط این مؤلفه‌ها یک نظام اقتصاد سیاسی طبیعی ایجاد می‌کند. این نظام بدون اعتقاد به توحید، نبوت، امامت، عدالت و معاد به‌عنوان ارکان فلسفی تحقق نخواهد یافت. نظام طبیعی شامل آفرینش زمین و آسمان و آنچه بین آنها با محوریت توحید، مالکیت و مدیریت خدا است. رابطه انسان با خدا بر مبنای عبادت او، با طبیعت از طریق کار متبلور در مالکیت و حفاظت از طبیعت، با انسان‌های دیگر در قالب مبادله برای رفع نیاز براساس احکام، اخلاق و رابطه با حاکم براساس پیمان الهی برقراری نظم و عدالت با استفاده از عقل فطری، کتاب و حکمت شکل می‌گیرد. تقوا روح حاکم بر این روابط در نظام اقتصادی سیاسی طبیعی و محصول آن امنیت اقتصادی پایدار است.

در اقتصاد سیاسی لیبرالیسم کلاسیک هسته امنیت اقتصادی تعادل طبیعی بازار و عدم‌مداخله دولت است. لیبرالیسم نیز با تأکید بر نظام طبیعی مدیریت نظام اقتصادی بشری را براساس قوانین طبیعی با استفاده از عقل، غریزه و منافع فردی بدون دخالت و حضور خدا به‌عنوان مالک، خالق و وحی یا کتاب می‌داند. خودخواهی، سود فردی، میل به رفاه، عقلانیت، آزادی اقتصادی، ارزش‌گذاری کالا براساس کار؛ بستر ایجاد تقسیم‌کار، تخصص و تعیین قیمت در بازار براساس عرضه و تقاضا است. قیمت با کارکردهای خود یعنی تعیین‌کنندگی، تسویه‌سازی، تعادل‌بخشی، توزیع درآمد و تعیین قدرت خرید بازار را به تعادل می‌رساند. انباشت ثروت، حوادث طبیعی و اشتباه محاسباتی کارفرما در ذات لیبرالیسم و عامل ناامنی است؛ بنابراین اقتصاد سیاسی لیبرالیسم کلاسیک با ناامنی پایدار روبه‌رو است.

بی‌عدالتی و شکاف طبقاتی ناشی از لیبرالیسم کلاسیک باعث شد تا اقتصاد سیاسی مارکسیسم با تأکید بر مالکیت سرمایه‌دار بر ابزار و روابط تولید و رقابت طبقاتی به‌عنوان زیربنای اقتصادی و تعیین‌کننده روبنای فرهنگی، سیاسی و حقوقی؛ نابودی طبقه

سرمایه‌دار و جامعه بی‌طبقه را راه‌حل دستیابی به عدالت و امنیت اقتصادی معرفی کند. اما مارکسیست‌های جدید با توجه به تجربه فروپاشی شوروی بر نقش مؤثر مذهب، اخلاق و سیاست در ایجاد زیربنای اقتصادی و توهم بودن جامعه بی‌طبقه و امنیت اقتصادی تأکید داشتند.

به‌دنبال ناکام و یکجانبه‌گرایی لیبرالیسم و مارکسیسم اقتصاد سیاسی نهادگرایی با پذیرش رقابت طبقاتی، تأکید بر هویت فرهنگی و ارزش‌ها، کیفیت شکل‌گیری رویه‌ها و نهادهای اقتصادی را به‌صورت اجتماعی و تأثیر آن‌ها بر سیاست‌گذاری و هزینه مبادلات را به‌عنوان فرایند شکل‌گیری امنیت اقتصادی مورد مطالعه قرار دادند. از این نظر نهادها با تأثیرگذاری بر کم‌وکیف رقابت، تعامل، چانه‌زنی و توافق میان گروه‌های مختلف در شکل‌گیری شفافیت، کاهش عدم اطمینان و افزایش کارایی به‌عنوان شاخص‌های امنیت اقتصادی نقش دارند. اما نهادگرایی نقش مذهب و وحی را در حد اخلاق و ارزش‌های عرفی تنزل می‌دهد.

کتابنامه

- احمد صدیقی، شمیم (۱۳۸۲). یک روش‌شناسی پیشنهادی برای اقتصاد سیاسی اسلام (محمد لشکری، مترجم). *فصلنامه نامه مفید*، ۹(۳۵)، ۱۲۹-۱۵۸.
- پوراحمدی میدی، حسین (۱۳۹۰). مبانی و اصول حاکم بر فرانظریه اقتصاد سیاسی اسلامی. *فصلنامه پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۶(۲۲)، ۴۰-۷.
- خسروی، رضا؛ و لکزایی، نجف (۱۳۹۵). امنیت اقتصادی از دیدگاه امام علی (ع) با تأکید بر عهدنامه مالک اشتر، *فصلنامه پژوهش‌های نهج‌البلاغه*، دوره ۱۵(۵۰)، ۱۳۳-۱۰۷.
- معتمد، عزت‌الله؛ شهیدی‌نسب، مصطفی؛ و اصغری، محمدرضا (۱۳۹۶). چالش‌ها و راهکارهای ایجاد امنیت اقتصادی در چارچوب قرآن و اقتصاد متعارف. *دوفصلنامه پژوهش‌های دفاعی امنیتی*، ۲(۴)، ۱۸۳-۱۴۴.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۷). امنیت اقتصادی و راهکارهای تأمین آن در آموزه‌های قرآنی. *دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث*، ۱(۲)، ۲۱۵-۱۸۳.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۸). ماهیت و الزامات امنیت اقتصادی در الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت. *فصلنامه سیاست متعالیه*. ۷(۲۶)، ۲۲۶-۱۹۳.

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۷). امنیت اقتصادی و راهکارهای تأمین آن در آموزه‌های قرآنی و روایی. دو مطالعات قرآن حدیث، ۱(۲)، ۱۸۳-۲۱۵.
- براتی، محمدعلی (۱۳۸۷). بررسی شاخص‌های بی‌ثباتی و آسیب‌پذیری در اقتصاد ایران (یک رویکرد تجربی) (چاپ اول). تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- بشریه، حسین (۱۳۸۲). آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی)، تهران: نگاه معاصر.
- بهشتی‌پور، روح‌الله (۱۳۹۰). عقل و وحی از نظر علامه طباطبایی. دوفصلنامه فلسفه دین، ۸(۹)، ۵-۲۴.
- پوراحمدی، حسین؛ و شم‌آبادی، محمد (۱۳۹۰). مقدمه‌ای بر نظریه اقتصاد سیاسی اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- پوریوسف، عباس (۱۳۹۲). خلاصه تفاسیر المیزان و نمونه. تهران: شاهد.
- پیکتی، توماس (۱۳۹۳). سرمایه در قرن بیست‌ویکم (اصلاح قودجانی، مترجم)، تهران: نقد فرهنگ.
- توانایان‌فر، حسن (۱۳۵۹). نظریات اقتصادی ابوعلی سینا (تدبیر منزل). تهران: قسط.
- جهان‌بزرگی، احمد (۱۳۸۸). نقش امنیت اقتصادی در حفظ انقلاب اسلامی. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۵(۱۶)، ۲۱۱-۲۴۴.
- جهانیان، ناصر (۱۳۹۲). مبانی اخلاقی امنیت اقتصادی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۱۳(۵۲)، ۵-۳۲.
- جهانیان، ناصر (۱۳۹۸). امنیت اقتصادی در اسلام و راهبردهای آن. همدان: نور علم.
- دادگر، یدالله (۱۳۸۳). مؤلفه‌ها و شاخصه‌های الگوی اقتصاد سیاسی اسلامی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۴(۱۳)، ۷۵-۱۰۲.
- رسولی، کریم؛ و فرزین‌وش، اسداله (۱۳۹۴). تبیین رابطه بین آزادی و امنیت اقتصادی با تشکیل سرمایه: شواهدی از کشورهای نوظهور. فصلنامه مطالعات اقتصاد کاربردی، ۴(۱۴)، ۲۴۵-۲۶۳.
- خسروی، رضا؛ و لکزایی، نجف (۱۳۹۵). امنیت اقتصادی از دیدگاه امام علی (ع) با تأکید بر عهدنامه مالک اشتر، فصلنامه پژوهش‌های نهج‌البلاغه، ۱۵(۵۰)، ۱۰۷ - ۱۳۳.
- روحانی، محمود (۱۳۷۶). المعجم الحصابی لالفاظ القرآن الکریم، فرهنگ آماری و کلمات قرآن کریم، ابو محمد ابن شعبه الحرانی، تحف العقول، مشهد: آستان قدس رضوی.

اقتصاد سیاسی و امنیت اقتصادی از منظر اسلام / حسن شکوه و ابراهیم منقی مطالعات امنیت اقتصادی ۱۶۷

دانشجو، زهره؛ و محسنی نیا، زهرا (۱۳۹۹). امنیت اقتصادی زنان با رویکرد اقتصادی اسلام به مهریه. هشتمین همایش علمی علوم تربیتی و روان‌شناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی، تهران، ایران.

ساندلین، بو؛ مکائیل تراتوین، هانس و وندارک، ریچارد (۱۳۹۶)، تاریخ مختصر اندیشه‌های اقتصادی (حمیدرضا ارباب مترجم). تهران: نی.

سیف، الله‌مراد (۱۳۸۹). مفهوم‌شناسی امنیت اقتصادی. فصلنامه آفاق امنیت، ۳(۹)، ۳۵-۷. شیهان؛ مایکل (۱۳۸۸). امنیت بین‌الملل (سید جلال‌الدین دهقانی فیروزآبادی، مترجم) تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

صدر، محمدباقر (۱۳۴۸)، اقتصاد ما، بررسی‌هایی در مورد مکتب اقتصادی اسلام (محمد کاظم موسوی، مترجم). قم: اسلامی.

صوفی، عبدل. س (۱۳۸۴). اقتصاد سیاسی ابن خلدون (محمود عبدالله‌زاده، مترجم). تهران: اقتصاد سیاسی.

غزالی، محمدبن محمد (۱۳۷۷). گامی به سوی تفسیر موضوعی قرآن کریم (علی اصغر محمدی، مترجم) تهران: فرهنگ اسلامی.

قرائتی، محسن (۱۳۹۶). ترجمه و تفسیر قرآن کریم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن کریم.

کهف، منذر (۱۳۸۵). علم اقتصاد اسلامی، تعریف و روش (سیدحسین میرمعزی، ترجمه): قم: پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مردوخی، کیلان (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی. فصلنامه اقتصاد و جامعه، ۳(۱۰)، ۱۹۷-۲۲۴.

محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۲). توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و احادیث (جلد اول)، (سید ابوالقاسم حسینی، مترجم). تهران: دارالحدیث.

محمدی، ناصر (۱۳۹۲). معادله قرآن حکمت در حکمت صدراایی. فصلنامه حکمت صدراایی، ۱(۲)، ۷۷-۹۰.

مصلحی نژاد، عباس (۱۳۸۹). مبانی علم اقتصاد و سیاست، تهران: شریف.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۸). نظریه نظام اقتصادی اسلامی، تهران: بنیاد علمی و فرهنگی مرتضی مطهری.

رشیدی، مصطفی؛ ردادی، علی و مقدم‌فر، سعیدرضا (۱۳۹۴). «طراحی الگوی سنجش امنیت اقتصادی کشور»، *مطالعات راهبردی بسیج*، شماره ۶۸.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷). *ترجمه و شرح آیات منتخب قرآن حکیم*، تهران: مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران.
میر، جرالد و استیگلیتز، جوزف ای (۱۳۸۲). *پیشگامان اقتصاد توسعه: آینده در چشم‌انداز* (غلامرضا آزاد ارمکی، مترجم). تهران: نی.
میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۰). *درآمدی بر روش علم اقتصاد اسلامی. فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۱۱(۴۲)، ۲۸-۵.

نادری، شایان (۱۳۹۵). *آسیب‌های تهدیدکننده امنیت اقتصاد اسلامی از منظر قرآن کریم*. اولین همایش ملی یافته‌های نوین در علوم انسانی و امنیت اجتماعی، تهران.
نصیری، علی‌اصغر (۱۳۹۸). *بررسی مناسبات امنیت اقتصادی متعالی و آزادی اقتصادی متعالی در نظام اقتصادی اسلام، فصلنامه سیاست متعالیه*، شماره ۲۷، ۷(۲۷)، ۱۴۶-۱۲۷.

doi: 10.22034/sm.2020.108050.1381

نمازی، حسین (۱۳۸۲). *نظام‌های اقتصادی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- Adam, S. (1961). *The Wealth of Nation*, Edwin Cannan, ed, Lonndon, Mathuen and Co Ltd.
- Andre, S. (2005). *Political Crises, Social Conflict and Economic*
- Askari H, Zahedi, D. (2020). *political Economy of Islam*, US , Unversity of California.
- Askary, H, & Mirakhor, A (2017). *Ideal Islsmic Economy: An Introduction Economy (political Economy of Islam)*, u.s, Palgrave Macmillan.
- Austay, M. (2007). *A political economy approach to Islamic economics: systemic understanding for an alternative economic system [Electronic version]. Koyoto bulletin of Islamic Area Studies, 1(2), 3-18.*
- Development, *The Political Economic Andian*, U.S.A, Cheltenham,
- Gran, P. (1980). *Political economy as a paradigm for the study of Islamic history. International Journal of Middle East Studies, 11(4), 511-526.*
- Grindle, M. (1999). *In Quest of the Political: The Political Economy of Development Policy Making*. Harvard University. *Center for International Development (June, CID Working Paper No. 17).*
- Haqqi, A. R. A. (2015). *The Philosophy of Islamic Political Economy: Introductory Remarks. Journal of Islamic Studies, 3(1), 103-112.*
- Moss, L, (2002). *The New Political Economy*, London, Blackwell, 106.
- Polanteas, N (1998), *Social Class in: Class Power*, Macmilan.
- Bowen, J. R., & Roff, W. R. (1989). *Islam and the Political Economy of Meaning: Comparative Studies of Muslim Discourse. Journal of the American Oriental Society, 109(3).*